

عنوان

نقش قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در بحران سوریه و عراق

نویسنده:

جعفر یوسفی^۱

چکیده:

شفافیت و به نتیجه رسیدن تحولات موجود در عراق و سوریه، تنها به توافقات مربوط به خود کشورها نیست؛ بلکه به تصمیمات و سیاست های منطقه ای و جهانی مربوط است. در هر دو کشور از یک طرف روسیه، ایران و چین قرار دارند که تمامیت ارضی حکومت مرکزی را مورد حمایت قرار می دهند. در طرف دیگر ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و ترکیه قرار دارند که سیاست های ضد و نقیض و تنش زایی در خصوص حکومت مرکزی عراق و سوریه اعمال می کنند. به عبارت دیگر تداوم ابهام و عدم شفافیت در تحولات سیاسی سوریه و عراق، به دلیل وجود قدرت های قدرتمند اوراسیا در یک طرف و قدرت های بزرگ غرب در طرف دیگر است.

کلید واژه: قدرت های منطقه ای، بحران، سوریه، عراق.

مقدمه

در این مقاله تلاش شده است با استفاده از نظریه «بازی» سیاست به مثابه انتخاب عقلانی در موقعیت رقابتی» تصمیم های عقلانی بازیگران مختلف تأثیر گذار در بحران سوریه و عراق مورد بررسی قرار گیرد. تصمیماتی که انتخاب آن از سوی بازیگران نقش محوری در توقف یا تداوم بحران دارد. نظریه بازی مطالعه تصمیم های عقلانی در موقعیتی است که دو یا چند بازیگر تصمیم می گیرند و نتیجه بستگی به انتخاب هر یک دارد. در این روش «بهترین» انتخاب وجود ندارد، «بهترین» نتیجه وابسته به چیزی است که دیگران انجام می دهند. به عبارت دیگر بازیگران باید نگاهشان نه تنها به خواسته ها و توانایی هایشان باشد، بلکه باید دیگران را هم مدنظر قرار دهند. نظریه های بازی می تواند در تصمیم های مربوط به جنگ و صلح، استفاده از سلاح های هسته ای، دیپلماسی بین المللی، مذاکره یا ایجاد ائتلاف در سازمان های بین المللی و منطقه ای و برخی موقعیت های سیاسی مهم به کار رود. بازیگر ممکن است فرد، گروه یا حکومت ملی باشد. هر فردی با اهداف معین می تواند عمل عقلانی انجام دهد. نظریه بازی، به دنبال آن است که چگونه انسان های کاملاً عقلانی باید در شرایط رقابتی تصمیم گیری کنند. بنابراین نظریه بازی شکلی از عقلگرایی است، اما در شرایط رقابتی قابل اجراست و نتایج بستگی به عمل دو یا چند بازیگر دارد. قواعد بازی انتخاب هایی را مطرح می کند که برای تمام بازیگران قابل دسترسی است.

در نظریه بازی «بازدهی» به ارزش هایی اشاره می کند که هر بازیگر به عنوان نتیجه انتخاب ها و مؤلفه هایش به دست می آورد. به عنوان مثال در بازی «بحران سوریه» دو بلوک قدرتمند رودروی هم در یک مسیر در رقابت هستند. اگر هیچ کدام تغییر جهت (سیاست) ندهند، برخورد خواهند کرد؛ اگر هر کدام تغییر جهت دهد، «بزدل و ترسو» است. هر دو بازیگر تغییر مسیر می دهند تا از مرگ بگریزند، اگر چه خواستار «بدنامی ترسو» خوانده شدن نیستند. بنابراین نتیجه بازی (بحران) بستگی به این دارد که بازیگران چه خواهند کرد و هر یک از آنها باید پیش بینی کنند که دیگری چه خواهد کرد. این شکل از «بازی با آتش» امر متعارف در روابط بین المللی است.

مفهوم کلیدی در نظریه بازی، راهبرد می باشد. راهبرد به تصمیم سازی عقلانی اشاره می کند که بر مبنای آن برای کسب بازدهی مطلوب باید به تمام حرکت های ممکن طرف مقابل توجه کرد. هر چند پیگیری دقیق این مسئله امکان ناپودی بزرگتر را ممکن است در پی داشته باشد. بنابراین در تحلیل بحران سوریه و عراق بر مبنای نظریه بازی لازم است نقش بازیگران (قدرت های) منطقه ای و بین المللی مورد توجه قرار گیرد.

در حال حاضر از میان عناصر پیش بینی نشده و متفاوت در آینده منطقه، مشخص کننده ترین وضعیت چگونگی حل بحران سوریه و عراق است سقوط رژیم بعث و اسد و جایگزینی یک حکومت سنی معتدل یا پایداری اقتدار اسد و همچنین تداوم قدرت گیری داعش یا بازگشت ثبات به عراق. در صورت پایداری بشار اسد، در نهایت همانند سال های بعد از سال های ۱۹۹۱ صدام حسین در عراق، مناطق وسیعی از کشور سوریه به دلیل عدم کنترل، در درون یک «آراف» یعنی جایی بین دو زوخ و بهشت قرار خواهد گرفت. زیرا در این وضعیت، خلاء یک قدرت جدید متولد می شود و کنترل عناصر متفاوت موجود در منطقه - اگر سنی هم باشد - سخت خواهد بود.

برای تحلیل بحران سوریه و عراق ضروری است عوامل تأثیرگذار در ابعاد داخلی و خارجی را به طور همزمان مورد توجه قرار داد؛ چرا که بین این دو مقوله یک رابطه علت و معلولی وجود دارد.

خاورمیانه مهد تمدن های بزرگ، جنگ ها و رقابت های واقعی است. در دین های تک خدایی، گهواره مدنیت های کهن بوده، پایه های تصوف در این منطقه پایه گذاری شده است؛ جنگ های عرب - اسرائیل در این منطقه آغاز شده است؛ به همین دلیل برای تفسیر و تحلیل مسائل روز منطقه خاورمیانه؛ عدم

۱- کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد تهران مرکز.

فراموشی گذشته و تاریخ منطقه و توجه بر آن ضروری است. برای این که خاورمیانه، در شناساندن تاریخ و ادراکات گذشته، امروز و آینده منطقه، تأثیر گذار و جهت دهنده است.

بهار عربی به مثابه یک تحول، در نوع نگاه مربوط به منطقه، تاریخ منطقه، اقتصاد، تجارب، تجهیزات، مشروعیت، تأثیرات انسانی منطقه، به دقت باید تحلیل و تفسیر شود. به خاطر این که در خاورمیانه، حکومت های با مدل غرب در قالب اصول دموکراسی حکومت نمی کنند.

از زمان شروع تحولی که بهار عربی نام گرفته است؛ نزدیک چهار سال می گذرد. اما در کشورهایی که بهار عربی ورود پیدا کرده است؛ هنوز دموکراسی نیامده است. نیامدن دموکراسی در زمان کوتاه هم قابل مشاهده است. در مصر به مثابه مرکز دنیای عرب، علیرغم تغییر رهبر و قانون اساسی و به قدرت رسیدن محمد مرسی، با کودتای ارتش رهبر انقلابیون دستگیر و به زندان انداخته شد؛ نظامیان با رهبری السیسی با برگزاری انتخابات بار دیگر یک حکومت نظامی غیر دموکراتیک را ایجاد کردند. جامعه تونس هنوز استقرار و ثبات لازم را ندارد. وضعیت بحرین تحت حمایت عربستان که احتمال متلاشی شدن آن وجود دارد؛ مشقت بار است. در ارتباط با وضعیت اردن کسانی که تفسیر بدبینی دارند در حال افزایش است.

بعد از شروع اتفاقات ماه مار ۲۰۱۱، رژیم سوریه همراه با بشار اسد که «در حال رفتن و فروپاشی» ذکر می شد، با حمایت روسیه، چین و ایران در حال مقاومت است. این وضعیت، تحلیل های مربوط به سوریه و حتی علت تغییرات با مقیاس متوازن و عرف را بحث زده کرده است؛ طوری که آمریکایی ها، سرنگون شدن هرچه سریع تر بشار اسد را باور داشتند.

به نظر نمی رسد قطبی شدگی سیاسی و دیپلماتیک در سوریه، تنها در چارچوب عوامل درونی قابل تحلیل باشد. نیروهای خارجی مهمی در سوریه وجود دارد. روسیه، ایران و چین از حکومت مرکزی و ایالات متحده آمریکا، انگلستان و ترکیه از قدرت های مخالف حکومت مرکزی حمایت می کنند. قطبی شدگی بین آنها، انعکاسی از تقابل قدرت های اوراسیا و آتلانتیک است.

انعکاس های قطبی شدگی مسئله سوریه

سوریه؛ تونس، یمن، لیبی، اردن و یا بحرین نیست. در معادلات خاورمیانه، کلید خیلی مهم است. این حرف مهم هنری کسینجر که «در خاورمیانه جنگ بدون مصر، و صلح بدون سوریه» نمی باشد؛ به یک حقیقت خیلی مهم اشاره دارد. تحولات و اتفاقات موجود در سوریه و حمایت ایران، روسیه و چین از آن، تنها مسئله و معضل منطقه نیست، بلکه در تقابل دست های قدرتمند منطقه و جهان است. در بحران سوریه، در یک طرف، ایالات متحده آمریکا، قدرت های بزرگ اروپا همچون انگلیس و فرانسه و کشورهای منطقه از جمله ترکیه، عربستان سعودی، و کشورهای متعدد مسلمان و در طرف دیگر، روسیه، چین و ایران قرار دارد. این سه کشور در مسئله سوریه خطوط قرمز مشخصی دارند و مداخله نظامی را به طور قطع رد می کنند.

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، در شمال عراق ظاهر شده و علیه ایران، سوریه، و ترکیه یک دولت سحرآمیز و بزرگی را به وجود آورده و «دلیل راه یابی به دریای مدیترانه» را شرط تداوم و ادامه حیات آن تعیین کردند. با توجه به دلایل موجود، ذخایر نفتی غنی در عراق، تنها مال عراق، کردهای عراق و ترکیه نیست؛ به دلیل وجود ایالات متحده آمریکا، نفوذ تمام قدرت های بزرگ و قدرتمند را در پی دارد. به همین دلیل، مجادله به خاطر منابع نفتی، منطقه ای نیست بلکه جهانی است. کشورها با تمام امکانات دولتی، و با تمام قدرت و توانایی هایشان، تمام ابزارهای خود را به منطقه می فرستند.

کردهای موجود در چهار کشور ترکیه، عراق، ایران و سوریه با حمایت آمریکا، برای پایه گذاری کشور مستقل کرد، در شمال عراق و سوریه در حال جنگ هستند. با تحقق یابی این امر، انرژی (نفت) شمال عراق از طریق دریای سفید به جهان غرب انتقال داده می شود، کردها صاحب دولت و حکومت می شوند، اسرائیل نفس راحت خواهد کشید، شرق دریای سفید تحت کنترل ایالات متحده، اسرائیل و انگلیس در خواهد آمد و قدرت روسیه در دریای مدیترانه تضعیف خواهد شد. به این موارد اگر آینده روابط اسرائیل با مصر و جستجوی فعالیت های نفت و گاز در دریای سفید را اضافه کنیم، یک طراحی و نقشه مشخصی دیده می شود.

ظهور سازمان تروریست PYD به مثابه امتداد PKK

سازمان تروریست PYD به مثابه امتداد PKK در سوریه، در شروع درگیری های منطقه وارد نشد. اما در نهایت بعد از یک دوره طولانی، درگیری های خود را با اردوی سوری آغاز کرده است. «رویکرد و ایده کردیسم» مورد نظر PYD بعد از رسیدن به یک پختگی مشخص، نمایان شد که تحلیل گران، تلاش کردهای داخل ترکیه و عراق برای دستیابی به استقلال و خودمختاری را، به لحاظ زمانی در همین چارچوب تحلیل می کنند.

اتحاد شمال عراق و شمال سوریه برای راهیابی به دریای مدیترانه، ترکیه را تحت فشار قرار داده است. درخواست حمایت ترکیه از بارزانی رهبر شمال عراق در خصوص حل مسئله سوریه، مثمرتر نبوده است. چرا که بارزانی ذاتاً کردهای سوریه را علیه تمامیت سرزمینی سوریه تحریک می کند و آنها را به مثابه بخش های از یک دولت مستقل کرد دعوت به اتحاد می کند. با جدایی و تزلزل در سوریه، طبیعتاً کردها از گروه های تروریستی دیگر از جمله پژاک به مثابه یک شاخه PKK حمایت های لازم را انجام خواهند داد.

بنابراین با شکل گیری بحران های سیاسی در سوریه و عراق، بازیگران منطقه ای مطابق مقدرات و معذورات خود، همچنین با تبعیت از آموزه های رئالیستی حاکم بر سیاست خارجی خود که مبتنی بر آموزه های واقع گرایانه می باشد؛ در صدد تأمین حداکثر منافع ملی خویش در ابعاد گوناگون از طریق مشارکت در بحران سوریه و عراق بوده اند. در همین راستا پرسش اصلی این است که نقش قدرت های منطقه ای در تحولات سوریه و عراق چیست؟ مسئله اصلی این است که رقابت، تضاد منافع و دیدگاه های متعارض قدرت های منطقه ای موجب پیچیدگی، تشدید تحولات و تداوم بحران در سوریه و عراق شده است. همچنین تعارض منافع میان بازیگران منطقه ای تأثیر گذار در بحران سوریه و عراق، بازی با حاصل جمع جبری صفر را ایجاد کرده است. این نوع نگاه مانع هر گونه سازش، و راه حل سیاسی برای خروج از بحران سیاسی در سوریه و عراق شده است. این امر به نوبه خود علاوه بر پیچیدگی بیش از پیش بحران سوریه و عراق، موجب افزایش حجم منازعاتی آنها نیز گردیده است. مجموعه این شرایط و شکاف های عمده داخلی در کنار متغیرهای موثر و مداخله گر منطقه ای و بین المللی، موجب تشدید تحولات و تداوم بحران در سوریه و عراق شده است و راه حل سیاسی برای خروج از بحران را دشوار ساخته است.

از آغاز سال ۲۰۱۱ خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد تحولات اساسی و آستان تغییرات جدی بوده است. در پی جنبش‌های مردمی و تحولات جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا بسیاری از نظام‌های سیاسی و نظم منطقه ای تغییر یافته و الگوهای مختلفی از تحولات در کشورهای مختلف رخ داده است که تفاوت‌های زیادی با هم داشته‌اند. در این میان وضعیت سوریه با تمام کشورهای دیگر متفاوت است. در خصوص شکل‌گیری بحران سوریه مشخص گردید که اعتراضات این کشور در ابتدا عمدتاً خود انگیخته، خود جوش و الهام گرفتن از سایر انقلاب‌ها بود و به نظری می‌رسد که هیچ سازمان کنترل‌کننده‌ای یا رهبران شناخته شده‌ای وجود نداشته باشد و حتی کانون انولوژیکی اپوزیسیون نیز فراتر از شعارهایی که خواهان پایان سرکوب و فساد است، نامشخص بود. همچنین مرکز ثقل اعتراضات به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است. اگر چه اعتراضات مردم به دلیل وادار کردن نظام بر اصلاحات داشت به نتایج قابل قبولی می‌رسد؛ اما به تدریج و با نقش آفرینی کشورهای خارجی، این وضعیت در سوریه تغییر پیدا کرد به گونه‌ای که با حمایت مالی، لجستیک و تبلیغاتی بازیگران منطقه از جمله، ترکیه، عربستان و قطر از مخالفان نظام و همچنین با ورود اسلحه از کشورهای مجاور و تجهیز و تسلیح معارضین سوری به تدریج به اعتراضات خشونت آمیز تشدید می‌شد.

بازیگران فعال در بحران سوریه سعی داشتند (دارند) که با بهره برداری از حوادث خونین جاری در سوریه اهداف و خواسته‌های مورد نظر خود را در این کشور محقق یازند. در این ارتباط می‌توان به مثلث قدرت ایران، ترکیه و عربستان اشاره کرد که هر یک از این بازیگران در پی آن هستند که از اتفاقات پیش آمده در منطقه مهمترین استفاده را نموده و تحولات را به سمت و سوی منافع ملی خود جهت دهند.

بی تردید می‌توان گفت هیچ رویدادی در سال‌های اخیر در ایجاد قطب بندی سیاسی که به نوعی یادآور دوران جنگ سرد است را نمی‌توان با تحولات سوریه و عراق مقایسه کرد. در این میان موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی شکلی تازه به معادلات سیاسی بخشیده است به گونه‌ای که برخی از دوستان قدیم را رویاروی یک دیگر قرار داده و از سوی دیگر رقبای استراتژیک را در عرصه سیاست سوریه به یکدیگر نزدیک کرده است. به طور کلی می‌توان بازیگران فعال در عرصه بحران سوریه و عراق را به دو دسته تقسیم کرد:

گروه اول دولت‌های هستند که با تاکید بر حل منازعه سوریه از طرق مسالمت آمیز خواهان ایجاد اصلاحات اساسی در این کشورها بدون هر گونه مداخله خارجی نظامی هستند. در این گروه طیفی از کشورهای قدرتمند و بازیگران جهانی چون روسیه و چین و بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران، حزب الله قرار دارند.

در گروه دوم کشورهای مانند آمریکا، اعضای شورای امنیت، اسرائیل و ترکیه و عربستان و قطر به همراهی اتحادیه عربی قرار دارند. در حال حاضر بحران سوریه و عراق به مثابه "بحران سیاسی عمیق" به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای، منافع متعارض، دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای پیچیده و دشوار شده است. نکته مهم در خصوص بحران سوریه و عراق تعداد بازیگران فعال و تاثیرگذار در آن می‌باشد؛ در این میان نقش بازیگران منطقه‌ای از اهمیت فراوانی برخوردار است. به طور کلی می‌توان گفت بحران‌هایی که سه بازیگر یا بیشتر در آنها دخیل هستند، تمایل به زمان و دوران طولانی‌تر دارند. تمایل به حصول توافق در میان طرف‌های بحران به سطوح پایین‌تر رضایت از نتیجه منجر خواهد شد. نتیجه آنکه بازیگران و قدرت‌های مختلف، مانع از دخالت یک دیگر در موضع سوریه و عراق می‌شوند و هیچ‌کس نمی‌تواند تاثیر زیادی روی سیاست داخلی سوریه بگذارد. همه قدرت‌ها محکوم به حرف زدن هستند تا عمل کردن؛ به همین خاطر نتایج تنگنای ژئوپولیتیک تحولات داخلی سوریه و عراق همچنان تا حد زیادی نامشخص بوده و طرف‌های داخلی سوریه و عراق به حال خود رها شده‌اند.

در پایان می‌توان گفت که آینده نظام سیاسی حاکم بر سوریه و عراق، تا حد زیادی آینده خاورمیانه را مشخص خواهد کرد. در واقع سرنوشت بحران این دو کشور به عاملی تعیین‌کننده در چشم انداز آینده منطقه تبدیل شده است. هم‌اکنون قلمرو سوریه و عراق هم‌آورد ژئوپولیتیکی دو ائتلافی است که کامیابی هر یک آنها نظم مورد نظر آنها را در خاورمیانه حاکم خواهد کرد.

اگر چه لازمه خروج از بحران سیاسی سوریه و عراق نیازمند قبول کردن دو عامل اساسی زیر است؛ اما نویسنده مقاله بر این باور هست که نتایج انقلاب مصر در چگونگی تحولات منطقه به خصوص سوریه و عراق تأثیرگذاری بیشتری داشته است که در پایان به چند مورد از آنها اشاره نموده‌ام. نخست: عدم دخالت نیروهای خارجی در این کشورها و تاکید بر حل منازعه از طریق گفتگو و کوتاه آمدن طرفین و دوم ضرورت انجام اصلاحات در نظام سیاسی سوریه و عراق همراه با شفاف‌سازی و اعتماد سازی مطلوب.

تأثیرات تحولات مصر بر آینده بهار عربی و بحران سوریه و عراق:

۱- بهار عربی اگر چه از تونس آغاز شده اما آنچه باعث حیاتی بودن این فرآیند برای کل منطقه شده، مصر می‌باشد. این گام رو به عقب در مصر (کودتای ارتش و سقوط محمد مرسی)، باعث پایان بخشیدن به گسترش حرکت‌های مردمی برای دموکراتیزاسیون خواهد شد. روند حرکت‌های مردمی که بعد از جنگ داخلی در سوریه، احتمال گسترششان در کشورهای دارای رژیم‌های اقتدارگرا بود، ضعیف شده است.

۲- دولت‌هایی که رهبر تغییر و تحول بوده‌اند، بنا بر نتایج برآمده در مصر، در رفتارهایشان تفاوت‌هایی مشاهده شده و اختلافات فکریشان آشکار گردیده است.

۳- رفتار دولت‌های غربی آینده بهار عربی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. عدم تعریف تحولات مصر از سوی کشورهای منطقه و نیز کشورهای غربی به عنوان کودتا موضعی سیاسی بود. این رفتار به منزله سرنخی از رفتار آنان در برابر حرکت‌های مشابه در آینده نزدیک می‌باشد. تغییر سیاست حمایت از مخالفین و حرکت‌های مردمی و تأکید دوباره به تداوم و شکلگیری حکومت‌های اقتدارگرا از جمله اقدامات سیاسی کشورهای غربی به رهبری آمریکا می‌تواند باشد.

۴- مصر بعد از انقلاب حمایت‌های مادی، ایدئولوژیکی، لجستیک و سازمانی از مخالفان در سوریه را به عمل آورد، اما احتمال این که حکومت جدید مصر (نظامیان) به این حمایت‌ها تداوم بخشد، ضعیف است. این وضعیت باعث تداوم حکومت رژیم سوریه خواهد شد. علاوه بر این اخوان المسلمین که بزرگترین گروه مخالفان در سوریه می‌باشد، نخواهد توانست در مصر به مانند گذشته فعال باشد.

- ۵- انتظار این که حکومت جدید مصر از حکومت اسد، حمایت به عمل آورد انتظاری غیر واقعی است. اما می توان گفت که حکومت جدید مصر از مخالفان و به ویژه گروه های اسلام گرای داخل مخالفان در سوریه فاصله خواهد گرفت. این وضعیت هم باعث افزایش تضادها بین مخالفان سوری و جنگ داخلی در سوریه و عراق خواهد شد.
- ۶- حکومت اسد می دانست که تغییر و تحول در مصر باعث تأثیرات منفی بر حرکت های اسلام گرایانه در کل خاورمیانه خواهد شد. چنانچه مشخص شد ظهور دولت اسلامی عراق و شام (داعش) باعث گردید بحران سوریه در سایه موقت قرار گیرد.

نتیجه گیری

آینده ژئواستراتژیک خاورمیانه در بازه های کوتاه مدت و میان مدت به وسیله تعاملات ترکیه، ایران و عربستان سعودی به همراه نقش حمایتی برجسته آمریکا و روسیه تعیین می شود. سوریه، عراق و بحرین به احتمال زیاد محل تلاقی هستند؛ محلی که رقابت های منطقه ای شکل می گیرند و نیز رژیم ها و مخالفان آنها هم به عنوان بازیگران خودمختار و هم به عنوان نماینده قدرت های منطقه ای عمل می کنند. قدرت های منطقه ای تمایل دارند جذب مناقشات همراه انقلاب های عربی شوند.

یک مجموعه به هم پیوسته ای از تعاملات واگرایی و همگرایی در سطوح داخلی، منطقه ای و جهانی، به توصیف ماهیت آنچه که منجر به آغاز بهار عربی شد تداوم خواهد بخشید. به نظر می رسد که بهار عربی حداقل در چند فصل ادامه داشته باشد. حوادثی که بهار عربی را شکل می دهند در ابتدا از طریق واکنش های داخلی به نابرابری ها و ناعدالتی ها درون کشورهای جداگانه عربی خود را نشان داد. اما تأثیرات و نتایج آن را نمی توان به دور از تصویر منطقه ای بزرگتر و سیاست ها و اعمال بازیگران مهم منطقه ای و نیز قدرت های خارجی مانند آمریکا و روسیه شناسایی و پیش بینی نمود. این همان چیزی است که به بهار عربی، اهمیت ژئواستراتژیک می بخشد.

(منابع در دفتر نشریه موجود میباشد)

